

تحلیل و توصیف گویش شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد

سید محمد حسینی معصوم*

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۴)

چکیده

در فرهنگ عامیانه گاهی این تمایل وجود دارد که گویشوران در میان خود به گونه‌ای سخن بگویند تا بیگانگان به راز و رمزشان پی نبرند. از این رو، برخی از خرده فرهنگ‌های محلی یا گروه‌های اجتماعی در صدد ساخت زبان رمزی^۱ (لوترا) برمی‌آیند تا از آن در میان گروه خود استفاده کنند. این زبان رمزی بیشتر بر پایه گویش غالب و رایج در هر منطقه ساخته می‌شود، قواعد صرف و نحو آن بر اساس همان گویش یا شبیه آن است و فرمول‌های خاص آوایی مهم‌ترین ابزار ایجاد رمز در آن‌هاست. در این مقاله ضمن مطالعه این پدیده در فرهنگ عامه مردم ایران، ویژگی‌های یک زبان رمزی خاص - که در میان یک گروه نسبتاً گسترده خویشاوندی در مشهد رایج است - بررسی می‌شود و البته هنوز نام خاصی برای آن تعیین نشده است؛ اما با عنوان «زبان خانواده برومند» از آن یاد می‌شود. این زبان که حدود چهار تا پنج نسل از عمر آن می‌گذرد، زبان رمزی زنده‌ای است که در میان گویشوران خود نسل به نسل انتقال یافته و بیشتر ویژگی‌های زبان‌های رمزی را داراست.

* hosseinimasum@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام‌نور

برخی از واژگان این زبان عربی است؛ برخی واژگان فارسی هستند که تغییر شکل یا تغییر آوایی یافته‌اند، و نیز برخی از آن‌ها واژگان ساختگی‌اند و ریشه مشخصی ندارند. این زبان تنها در میان همین گروه از مردم مشهد دیده شده است و در هیچ کجای ایران و جهان گویشور ندارد.

واژه‌های کلیدی: گویش، زبان رمزی، آرگو، فرهنگ مشهد، زبان‌شناسی اجتماعی.

۱. مقدمه

تنوع زبانی یکی از ذخایر فرهنگی کشورهای مختلف است و مطالعه آن می‌تواند اطلاعات ارزشمند تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و زبان‌شناسی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد. از آنجا که زبان و گویش هر قوم آینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت آن به‌شمار می‌رود، حفظ، ثبت و ضبط گویش‌ها و زبان‌ها، و نیز زبان‌های رمزی امری ضروری است؛ زیرا به گفته هومبولت (به نقل از: روبینز، ۱۳۷۰: ۳۷۳) «گفتار و سخن هر ملتی روح آن ملت است و روح آن ملت گفتار و سخن آن است». از دیدگاه یارمحمدی (۱۳۷۵: ۳۰) هدف اصلی مطالعه زبان‌ها و گویش‌ها، پی‌بردن به راز و رمز تفکر انسان‌ها و شناخت هرچه بهتر انسان اجتماعی و جلوگیری از نابودی کامل فرآورده‌های فکری و فرهنگی جامعه است. برای مثال، زبان‌شناسان پس از رمزگشایی خط میخی در کتیبه‌های داریوش و دیگر پادشاهان هخامنشی، به بسیاری از مسائل اعم از دین، مذهب، سنت، جنگ‌ها و شیوه زندگی و فعالیت‌های پادشاهان پی‌بردند.

سرزمین ایران منبع غنی‌ای از گویش‌های متنوع را در خود جای داده است که شناخت، گردآوری و معرفی آن‌ها می‌تواند مواد و منابع عظیمی را برای مطالعات زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و شناخت هرچه بهتر تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم فراهم آورد؛ به‌ویژه امروزه تحولات سریع و بی‌وقفه تکنولوژی، خرده‌فرهنگ‌ها و گویش‌ها را به سرعت از صحنه خارج می‌سازد. از این‌رو، سهل‌انگاری و تعلل در جمع‌آوری

زبان‌ها، گویش‌ها و زبان‌های رمزی متنوع در جامعه، زبان‌های جبران‌ناپذیری را به تاریخ و فرهنگ مردم وارد می‌سازد. فیثمن (۱۹۷۲: ۶۵) معتقد است:

تلاش‌هایی که برای حفظ زبان‌ها انجام می‌شود بسیار معقول و منطقی است؛ زیرا زبان‌ها یا در خدمت منافع ملی هستند، یا در خدمت منافع گروه‌هایی که در ضدیت با منافع ملی نیستند، یا اینکه این زبان‌ها توانایی و کارایی زبان غالب را به طور چشمگیر افزایش می‌دهند.

بنابراین، در چشم‌انداز جهانی‌شدن، پاسداری و حفظ زبان‌ها و گویش‌های روبه زوال و حتی گویش‌های کوچک و به‌ظاهر کم‌اهمیت، امری ضروری است؛ زیرا کم‌رنگ‌شدن یک لهجه و گویش به معنی فراموش‌شدن هویت هر ملت است. از این‌رو، فقدان تنوع زبانی می‌تواند به معنی از دست دادن تنوع اندیشه و آداب و سنن باشد؛ زیرا هر زبان با نگرشی متفاوت به هستی و استفاده از معارف و ارزش‌های جامعه، ابزاری خاص برای تجزیه و تحلیل دنیا دارد. در نتیجه فقدان یک زبان یا گویش همانند بسته‌شدن پنجره‌ای به سوی ذهن بشر است. از سویی دیگر، مرگ هر زبان یا گویش، زبانی مضاعف برای علم زبان‌شناسی و اهل فن به‌شمار می‌رود. هنگامی که زبانی می‌میرد زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و ادیبان در واقع منابعی غنی از اسناد مربوط به کارشان را از دست می‌دهند (ناصر، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

هدف پژوهش حاضر، بررسی یکی از پدیده‌های خاص در بررسی‌های گویش‌شناختی، یعنی زبان‌های رمزی است. در این مقاله، ابتدا به معرفی این پدیده از دیدگاه زبان‌شناسی می‌پردازیم، سپس ضمن بررسی وضعیت زبان‌های رمزی در فرهنگ عامیانه ایران و خراسان، یک زبان رمزی رایج در مشهد را تحلیل خواهیم کرد.

۲. پیشینه بحث

در ایران، از گذشته تاکنون زبان‌های رمزی در بین برخی از گروه‌های قومی، اجتماعی و اصناف گوناگون وجود داشته است. بیشتر این زبان‌ها صورت نوشتاری نداشته‌اند و در

برخی منابع از آن‌ها با نام‌های «لوترا»، «لُترَه»، «لُترَه»، «لوتره» و «لوتر» یاد شده است (ر.ک: حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۴۴؛ دهخدا؛ خلف تبریزی؛ انجو شیرازی؛ تنوی؛ ذیل واژه‌ها).

بلوکباشی (۱۳۸۰: ۲۱) باتوجه به کاربرد انواع لوترایی در ایران در بین گروه‌های قومی، اجتماعی و شغلی (صنفی) جامعه، طبقه‌بندی چهارگانه‌ای از آن ارائه می‌دهد: ۱. لوترهای ویژه گروه‌های قومی، مثل لوترهای کولیان و یهودیان، ۲. لوترهای ویژه فرقه‌های دینی، مذهبی مانند لوتر درویشان، ۳. لوترهای ویژه گروه‌های حرفه‌ای و صنفی مانند دزدان و راهزنان و گدایان، لوتر مطربی (در تهران) و لوتر آسیابانی (در دزفول و شوشتر)، ۴. لوترهای همگانی رایج در بین مردم که معمولاً در میان طبقه‌های میانه جامعه و توده مردم و عموماً در بین زنان رایج است، مانند زرگری، مرغی، گنجشکی، مطربی، سینی، میمی، لامی، گاوی، اشتری، سیدی و گویش انگوری.

زبان زرگری^۲ درواقع یک زبان یا گویش نیست، بلکه نمونه جالبی از خلاقیت اقوام ایرانی در ابداع ابزاری رمزی برای ایجاد ارتباط است؛ از این‌رو، نگارنده ترجیح می‌دهد آن را نظام رمزی زرگری بنامد. در ساخت این گونه رمزی گویشور نیازی به یادگیری واژگان یا قواعد دستوری ندارد و تنها کافی است نظام تکرار آوایی خاصی را فراگیرد تا بر اساس آن پس از هر ترکیب همخوان و واکه در هر هجا، واج Z را با آن واکه تکرار کند. بنابراین، تعداد هجاهای هر واژه دو برابر می‌شود. پس هر زبان و گویشی را می‌توان با نظام زرگری تولید و به نوعی زبان رمزی تبدیل کرد (همچنین ر.ک: همایونی، ۱۳۵۱: ۳۵۸). گویش مطربی نیز در مناطق مختلف ایران رایج بوده است و آثار آن هنوز کم‌وبیش وجود دارد. محبوب (۱۳۴۱: ۳۷) این زبان را زبان رمزی مخصوص نوازندگان، خوانندگان، هنرمندان و نمایشگران روحوضی می‌داند. این گویش بر پایه واژگان زبان فارسی بنا نهاده شده است و تنها در آن، چند فرمول آوایی خاص بر واژگان فارسی اعمال می‌شود، مانند: انسان: شنسان ابلو؛ خرمن: ارمن ایخا.

در زبان گنجشکی دو حرف «ش» و «ج» و در زبان مرغی نیز دو حرف «ر» و «غ» پس از هر هجای کلمه می‌آید. در دو لوتر گنجشکی و مرغی معمولاً دو حرف با هم

می‌آیند. حرف نخست ساکن است و حرف دوم حرکت هجای ماقبل خود را می‌گیرد، برای مثال کلمه آتش در سه زبان زرگری، گنجشکی و مرغی به ترتیب به صورت āzātæzæš, āšjātæšjæš و ārqātærqæš بیان می‌شود (ر.ک: بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۳).

بلوکباشی نیز همچون فریوا و بودا (۲۰۰۹: ۹۸)، بیشتر این زبان‌ها را حاصل درج واژگان رمزی در دستور زبان عادی می‌داند و معتقد است غالب این لوترها از نظر ساختمان دستوری، تابع ساختمان و قواعد نحوی زبان‌ها و گویش‌های اصلی رایج در همان جامعه‌اند؛ اما از نظر ساختمان واژگان و قواعد آوایی با زبان و گویش رایج بین مردم جامعه متفاوت‌اند.

۳. ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان‌های رمزی

زبان‌های رمزی در گویش‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی بررسی می‌شوند و معمولاً به عنوان گونه‌های زبانی خارج از زبان‌های استاندارد مرسوم شناخته می‌شوند که از جنبه‌های گوناگون همچون جنبه‌های واژگانی و کاربردشناختی با زبان معیار تفاوت دارند (همان، ۹۷). بلوکباشی (۱۳۸۰: ۱۸) زبان رمزی را زبانی ساختگی می‌داند که گروهی از مردم به طور قراردادی از آن استفاده می‌کنند تا معنا و مفهوم کلامشان بر دیگران آشکار نگردد. افراد به دلایل مختلف از زبان‌های رمزی استفاده می‌کنند؛ گاهی برای مشخص کردن هویت گروهی و تحکیم همبستگی خود، گاهی برای پنهان نگه داشتن راز و رمزها و زمانی نیز برای تفریح و سرگرمی. از سویی، برخی صاحب‌نظران یافتن تعریفی واضح و شفاف برای زبان‌های رمزی را مشکل می‌دانند. به نظر آن‌ها، واژگان متنوعی که در متون علمی برای اشاره به این پدیده به کار می‌رود، عملاً یک معنا دارند. برای مثال در کنار عبارت «زبان رمزی» از واژه‌های jargon، slang و cryptolec نیز برای افاده این معنا استفاده می‌شود. در آلمان نیز که مطالعه زبان‌های رمزی به سرعت در دهه گذشته توسعه یافته (سیورت، ۱۹۹۹: ۲۰۰)، این مشکل واژگانی وجود داشته است و اصطلاحات آلمانی معادل زبان سرّی^۲، زبان

خاص^۷ و زبان دزدان^۸ برای اشاره به این نوع از زبان استفاده می‌شد (فریرا و بودا، ۲۰۰۹: ۹۶). ایوانف (۱۹۲۰: ۲۴۸) این زبان‌ها را «زبان ترکیبی» می‌نامد. در ایران نیز دهخدا این زبان‌ها را «صورت شکسته‌زبانی» می‌خواند (دهخدا، ذیل «لوتر») و به گفته زمردیان (۱۳۴۸: ۵۵۰-۵۴۹) آن‌ها «شکل غلط ادا شده زبان‌های طبیعی» اند. برخی نیز چون یارشاطر (۱۹۷۷: ۱) آن‌ها را «زبان پیوندی» نام‌گذاری می‌کند.

زبان وسیله‌ای برای ارتباط است؛ اما یکی از کاربردهای ویژه آن استفاده به شکل کنترل‌شده است، به گونه‌ای که برای دیگران مبهم باشد. حتی در برخی از گونه‌های رمزی، زبان کاملاً مرموز و مخفی است. امروزه جدول کلمات متقاطع، واروخوانه‌ها^۹، واروواژه‌ها^{۱۰} و نظایر آن عموماً جنبه سرگرمی دارند؛ اما در گذشته، بیشتر رونویسی می‌شدند و در سحر و افسون و جادوگری اهمیت بسیاری داشتند. استفاده از زبان‌های رمزی (زبان رمزگونه) حتی در میان شاعران و نویسندگان نیز رایج است. گاهی شاعران و نویسندگان حروف رمزی‌ای را در شعر خود به کار می‌برند که از ترکیب آن‌ها کلمه‌ای خاص - که مدنظر آن‌هاست - حاصل می‌شود و تنها خواننده هوشیار و زیرک آن را کشف می‌کند. در همه زبان‌ها، برخی واژگان بیش از یک معنا دارند یا کلمات متفاوت گاهی به شکل یکسان تلفظ می‌شوند و یا یک عبارت یا یک جمله به گونه‌های مختلف برداشت می‌شود. این‌ها منابع ابهام است که امکان ساخت جناس‌ها^{۱۱}، معماها^{۱۲} و رمزها را در زبان (گفتاری) فراهم می‌کند (بلیک، ۲۰۱۰: ۴-۱).

از دیدگاه کاربردشناسی - اجتماعی^{۱۳} زبان‌های رمزی در گونه‌های شفاهی در گروه‌های کوچک، بسته و منفرد که بیشتر از نظر اجتماعی تعریف شده‌اند، پدیدار می‌شوند. زبان ساخته‌شده، به عنوان وسیله ارتباطی داخلی در میان این گروه‌ها استفاده می‌شود و برای افراد گروه نوعی هویت و هماهنگی ایجاد می‌کند، همچنین تحکیم داخلی گروه و تمایز آن‌ها را نسبت به گروه‌های دیگر تقویت می‌کند (فریرا و بودا، ۲۰۰۹: ۹۷). مردمی که با یکدیگر کار و زندگی می‌کنند یا افرادی که علایق یکسان اجتماعی دارند، به تولید گونه‌های مجزایی از زبان تمایل دارند که حصار و سدی در برابر جامعه

زبانی گسترده‌تر ایجاد می‌کند. به گفته بلیک (۲۰۱۰: ۵)، زبان نشانه مهم هویت است و افراد بیشتر محدوده‌ای واژگانی از گونه‌های محاوره‌ای برای خود ایجاد می‌کنند که هویتشان را آشکار می‌کند. برای مثال در بین مجرمان و آن‌هایی که مورد توجه قدرتمندان هستند، آرگویی^{۱۱} حرفه‌ای شکل می‌گیرد که ترکیبی است از اصطلاحات عامیانه و زبان صنفی^{۱۲}.

عموما در یک کشور زبان به اشکال گوناگون و به دلایل متعدد تنوع دارد. گونه‌های گفتاری، بیشتر با اصطلاحی مانند درجه رسمیت مجزا می‌شوند، برای مثال: رسمی، غیررسمی، غیرجدی، محاوره‌ای، صمیمی و دوستانه. کلمات فنی یا خاص واصطلاحاتی را که توسط افراد شاغل در زمینه حرفه‌ای خاص استفاده می‌شود، زبان صنفی می‌نامند (زاپاتا، ۲۰۰۰: ۲-۳). آرگو گونه گفتاری از زبان است که برخی گروه‌های ویژه مردم از آن استفاده می‌کنند. این گونه را جزو دسته زبان‌های رمزی تعریف می‌کنند که گروه‌های اجتماعی خاصی آن را به کار می‌برند. اعضای این گروه‌ها معمولاً نیاز دارند برخی مفاهیم ارتباطی‌شان را از دیگر افراد جامعه (که متعلق به گروه آن‌ها نیستند) پنهان کنند (همان، ۴).

بلیک (۲۰۱۰: ۲۱۱) آرگو را شامل مجموعه‌ای از لغات غیراستاندارد می‌داند که گروهی از افراد که علایق مشترک یا مخالفت‌های مشترکی با قدرت‌های مملکت دارند، از آن استفاده می‌کنند. واژه آرگو به شکل سنتی با گروه‌هایی که زندگی خلاف‌کارانه‌ای دارند، مانند دزدان، قماربازان، حقه‌بازان، راهزنان، سارقان، جیب‌برها، اخاذان، کلاه‌برداران و امثال آن‌ها مرتبط است. همچنین این زبان رمزی در بین گروه‌های دیگر مانند دله‌دزدها، گدایان، دلقک‌ها^{۱۳}، کولیان و گروه‌های سیرک، ولگردان و سوداگران (پیشه‌وران سیار) و جز این‌ها نیز دیده می‌شود. افرادی که بدون داشتن مغازه کالا و خدماتی فراهم کرده و با آن تجارت می‌کنند، مانند دست‌فروشان خیابانی و غرفه‌داران^{۱۴} از استفاده‌کنندگان سنتی آرگوها هستند. قاچاقچیان، خلافکاران و زندانیان و بچه‌مدرسه‌ای‌ها نیز آرگوهای خاص خود را دارند. به گفته کامینسکی (۲۰۰۴: ۲۵):

از ارزشمندترین تفریحات زندانیان مسئله تبادل اطلاعات است که به وسیله پیام‌های رمزی از طرق مختلف مانند لوله‌ها، سوراخ‌ها، در و دیوارها، کف زمین، منذهای ابتکاری و یا به کمک نگهبان‌ها و یا اعضای خانواده‌ها منتشر می‌شد. رسانه آن انواعی از زبان‌های رمزی مانند *kmina*, *bajera*, زبان دستی (اشاره‌ای)، موقعیتی و نوعی از کد به نام *morse* است.

هالیدی (۱۹۷۶: ۵۷۳) از آرگو به عنوان ضدزبان^{۱۵} نام می‌برد و آن را ابزاری برای اجتماعی شدن توصیف می‌کند که گویشوران به وسیله آن در یک ضداجتماع^{۱۶} در کنار جامعه بزرگ‌تر برای خود، اجتماعی مستقل تعریف می‌کنند. از آنجا که آرگوها بیشتر در بین افراد فعال در کارهای غیرقانونی و نامشروع استفاده می‌شوند، جای تعجب نیست که واژگان فراوانی برای اشاره به نیروهای حکومتی و امنیتی داشته باشند، همچون *pig* و *old bill coppers* برای اشاره به افسران پلیس، یا کلماتی رمزی برای اشاره به انواع جرم و جنایت‌ها و لوازم انجام آن‌ها، مانند مجازات و زندان. برخی از این آرگوها معادلی در زبان استاندارد ندارند؛ ولی با این حال چاشنی زبان عامیانه یا صنفی دارند. آن‌ها به صورت اصطلاحات ویژه یک صنف یا اصطلاحات دست‌وپاشکسته توصیف می‌شوند (بلیک، ۲۰۱۰: ۲۱۲).

همان‌گونه که گفته شد زبان‌های رمزی نیاز بشر به محرمانه‌بودن (پنهان‌کاری) را در مواقع خاصی برطرف می‌کند و این نیاز به پنهان‌کاری و محرمانه بودن عمیقاً وجود اتحاد و همبستگی در آن گروه خاص را نشان می‌دهد و نیز گویای مکانیزم حمایت در بین افراد گروه است. مکانیزم پنهان‌کاری یا مرموزبودن گاهی از طریق چند استراتژی زبان‌شناسی به دست می‌آید، مانند تکرار فونتیک، صدا یا قلب یک هجا^{۱۷}، وارونه‌سازی کلی واج‌ها، وام‌گیری، استفاده از صنعت استعاره^{۱۸}، استفاده از کنایه^{۱۹} و مانند آن (ر.ک: گیپل، ۱۹۹۵؛ سیورت، ۱۹۹۹). زبان‌های رمزی نوعاً واژگان محدودی دارند و از این رو، حوزه کاربریشان محدود است. گویندگان پایه‌واژه‌های^{۲۰} رمزی را در جریان عادی

مکالمه در زبان استاندارد درج می‌کنند. زبان‌های رمزی تنها به طور محدود در بافت-های مکالمه‌ای خاص استفاده می‌شوند (فریوا و بودا، ۲۰۰۹: ۹۸).

۴. جنسیت و زبان رمزی

جنسیت هرچند عامل ساخت زبان‌های رمزی نیست، اما می‌تواند عامل جامعه‌شناختی و فرهنگی مؤثر در گرایش به کاربرد این‌گونه زبان‌ها باشد. اکرامی (۱۳۸۴) با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، اشاره می‌کند که معمولاً مراکز شبانه‌روزی و خانوارهای جمعی مراکز یا کانون‌های اشاعه اصطلاحات و واژگان زبان رمزی هستند. تجمع افرادی با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی یا صنفی خاص در خوابگاه‌های دانشجویی، پادگان‌ها یا مراکز عمومی مانند زندان می‌تواند سبب احساس نیاز به یک زبان رمزی شود. نوع این مراکز در بیشتر جوامع، به‌ویژه در ایران تک‌جنسیتی است و این امر سبب می‌شود گاه هریک از دو گروه مردان و زنان از زبان‌های مخفی خاص خود بهره ببرند، هرچند پس از حضور موقت افراد در این مکان‌ها و بازگشت آن‌ها به جامعه اولیه، این زبان می‌تواند به جنس دیگر نیز ارائه شود. اعتضادی و علمدار (۱۳۸۷: ۸۳) معتقدند که «اغلب جنس مذکر مبدع واژگان این زبان بوده و جنس مؤنث کاربر آن می‌باشد. ازاین‌رو، این لغات غالباً بار معنایی مردانه دارند و در نتیجه استفاده از این واژگان توسط زنان به لحاظ اجتماعی و فرهنگی صورت زیبایی نداشته است».

همچنین همواره مسائلی در میان مردان وجود دارد که ترجیح می‌دهند در حضور زنان از آن سخن نگویند و زنان نیز به مسائلی علاقه‌مندند که تمایلی ندارند مردان از آن مطلع شوند. عامل این پنهان‌کاری در فرهنگ عامیانه، شیطنیت، تفریح و سرگرمی و در برخی مواقع، به‌ویژه در جوامع شرقی نظیر ایران شرم و حیا و عفاف است. اعتضادی و علمدار (همان، ۸۴) معتقدند:

واژگان ابداعی توسط دختران و زنان نسبت به لغات مردانه از خشنی و سختی کمتری برخوردار بوده و اغلب در غالب طنز مطرح می‌شود. پنهان‌کاری و حفظ

اسرار، تمایل به تمایز، ابراز صمیمیت و همراهی با گروه، از دلایل عمده استفاده جوانان از زبان مخفی می‌باشد. شرایط فرهنگی جوامع بستری کاملاً مناسب را برای ابداع و استفاده از زبان مخفی فراهم می‌آورد. این واژگان از طرق مختلفی مانند کتاب‌ها، اینترنت، چت‌کردن و پیامک‌ها در بین جوانان رواج پیدا می‌کند.

افزون‌براین، بسترهای اجتماعی عمومی، کانون‌های خانوادگی به‌ویژه دوره‌های زنانه نیز- که در فرهنگ عامیانه ایران بسیار متداول است- می‌تواند در شکل‌گیری زبان‌های رمزی عامل مؤثری باشد. در خانواده‌های سنتی ایران (از آن‌گونه که در شهرهای کوچک بیشتر به‌جا مانده است) مردان همگی به سر کار می‌روند و کمتر فرصت نشست‌های خانوادگی طولانی‌مدت را دارند. برای این مردان، همان‌گونه که گفته شد، اگر به زبان رمزی نیاز باشد، زبان حرفه‌ای و صنفی است؛ اما زنان خانواده در غیبت مردان و فرزندان خود، افزون‌بر کارهای خانه وقت زیادی برای سخن‌گفتن درباره مسائل مورد علاقه‌شان دارند. همچنین، این امر این امکان را به ایشان می‌دهد تا به نوآوری دست بزنند و برای شیطنت‌های خود و مخفی نگاه‌داشتن آن از مردان خانواده و زنان غریبه، زبانی‌های رمزی خاص خود را ابداع کنند. در پژوهش‌های انجام‌شده، به این جنبه از زبان‌های رمزی توجه چندانی نشده است، حال آنکه بررسی این‌گونه زبان‌ها می‌تواند اطلاعات مفید مردم‌شناختی را در اختیار پژوهشگر قرار دهد. ازجمله می‌توان مشاهده کرد که زنان خانه‌دار که بیشتر بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، چگونه و با چه هوشمندی به نوآوری و ابداع زبانی دست می‌زنند که ماهیت رمزآلود آن برای مردانشان آزاردهنده است و هر شنونده‌ای را به کنجکاوی گشوده‌ای وا می‌دارد. این پژوهش به بررسی یکی از این زبان‌ها می‌پردازد.

۱-۴. یک زبان رمزی خانوادگی نادر در مشهد (زبان خانواده برومند)

زبان رمزی‌ای که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، بی‌شک برای تمامی زبان‌شناسان ناشناخته است. این زبان رمزی، زبانی زنده است که به نام زبان خانواده برومند

شهرت دارد و هم اکنون در بین برخی از مردم مشهد گویشوران خاص خود را دارد. این زبان رمزی (مخفی) ویژه گروه خویشاوندی بوده و تنها یک گروه خاص مشهدی در حضور بیگانگان و میهمانان به این زبان صحبت می‌کنند، لذا هنوز در بین دیگر گروه‌ها انتشار نیافته است. افرادی که از این زبان استفاده می‌کنند، شاید نسل به نسل افزوده گردند؛ زیرا خانواده‌هایی که به واسطه ازدواج به این گروه افزوده می‌شوند، نیز کم‌وبیش آن را آموخته و در مواقع خاص از آن استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد دست‌کم سه یا چهار نسل از عمر این زبان می‌گذرد و گویشوران همچنان به استفاده از آن مشغول‌اند. جالب این‌جاست که نه‌تنها افراد مسن‌تر مانند مادر بزرگ‌ها، پدر بزرگ‌ها، مادران و پدران از این زبان استفاده می‌کنند؛ بلکه ماهیت جذاب و رمزآلود آن باعث شده‌است جوانان و تحصیل‌کرده‌های این گروه نیز به استفاده مداوم و جدی از آن - به‌ویژه در محفل‌های خانوادگی - روی آورند. ناگفته نماند در بین این گروه‌ها گاهی استفاده از این زبان رمزی جنبه تفریح و تفنن دارد.

در اینجا لازم است به تفاوت دو اصطلاح زبان و گویش از دیدگاه زبان‌شناسی اشاره شود. یول (۲۰۱۰: ۲۴۰) بیان می‌کند، گویش‌های یک زبان واحد بیشتر تفاوت‌های واژگانی گسترده و اندکی تفاوت‌های دستوری با یکدیگر دارند، در حالی‌که لهجه‌ها عمدتاً تفاوت‌های تلفظی دارند. از دیدگاه یول یکی از ملاک‌های تشخیص گویش از زبان، تفاهم متقابل^{۲۱} است. براین اساس، تا زمانی‌که دو گویشور، باوجود تفاوت‌های آوایی، واژگانی و دستوری بتوانند منظور یکدیگر را درک کنند، می‌توان گفت که آن دو به یک زبان سخن می‌گویند (همان، ۲۴۱). اگر این ملاک را درباره گونه مورد بررسی در این پژوهش در نظر بگیریم، باید گفت که یک گویشور زبان فارسی به هیچ وجه نمی‌تواند منظور گویشور این زبان رمزی را درک کند و از این نظر باید این گونه را یک زبان رمزی دانست.

تفاوت این زبان با نظام‌های رمزی پیش‌گفته در این است که برخلاف آن‌ها، این زبان حاصل اعمال قواعد آوایی خاص و درج تکواژهای مکرر در میان هجاها نیست؛ بلکه از مجموعه‌ای واژه‌های کلیدی ساختگی منحصربه‌فرد استفاده می‌کند که بسیاری از آن‌ها را نمی‌توان در هیچ زبان دیگری سراغ گرفت. در کنار این واژگان، از شمار زیادی واژه‌های فارسی روزمره نیز استفاده می‌شود. قواعد آن تقریباً همان دستور زبان فارسی است و لهجه آن نیز لهجه اصلی مشهدی است. ریشه اصلی و اساس این زبان هنوز شناخته شده نیست. با وجود جست‌وجوی فراوان نگارنده و مصاحبه با گویشوران کهن سال، هنوز در این زمینه نتیجه‌ای حاصل نشده است. این افراد، مردان و به‌ویژه زنان مسنی هستند که این زبان را از مادران و پدران خود به صورت شفاهی آموخته‌اند. اما به گفته برخی از همین افراد، این احتمال وجود دارد که اجدادشان آن را از گویان آموخته باشند. شمار زیادی واژگان عربی در این گویش رمزی دیده می‌شود؛ اما منطقه جغرافیایی و طبقه اجتماعی این گویش هیچ ارتباطی با ریشه عربی را به ذهن متبادر نمی‌سازد. با توجه به این مطالب، به نظر می‌رسد هرچند این زبان به سادگی در هیچ‌یک از انواع گونه‌های چهارگانه لوترایی مورد نظر بلوکباشی نمی‌گنجد، به نوع اول یعنی لوترهای گروه‌های قومی نزدیک‌تر است.

۲-۴. واژگان

اصل و اساس این زبان مخفی شماری واژه است که شامل اسم، فعل و صفت می‌شود.

۱-۲-۴. اسم و صفت

نمونه‌هایی از مهم‌ترین اسم‌ها و صفت‌ها در این زبان بدین شرح است:

فارسی	زبان رمزی
مرد	māre
زن	ezge
دختر	næsæbe
پسر	lāhār
چادر، روسری، پوشش، لباس	kīmīs
سر	ræʔs
شیرینی، قند	šæhd
چشم	eIn
گوشت، به معنای گوشت بدن هم می‌تواند باشد (کنایه از کسی که چاق است).	læhm
خانه	kūrūn
میوه	xætæk
زیبا، قشنگ، مرتب، تمیز	boq
کثیف، زشت، نامرتب	xīt
عصبانی، دیوانه (از شدت عصبانیت)	espī
برنج، پلو	barqeš
نان	læqen

۲-۲-۴. اقتصاد در واژه‌سازی

از آن‌جا که ساخت یک زبان پدیده پیچیده‌ای است و فرایندی طولانی دارد، نمی‌توان از یک جامعه بسیار کوچک خویشاوندی انتظار داشت که برای زبانی با کاربرد محدود، واژگان گسترده‌ای وضع کند. هدف در تولید واژه‌ها صرفاً مخفی‌کاری است و هرگاه

این مقصود با واژگان معدودی حاصل شود، نیازی به ساخت واژگان جدید نیست. مفاهیم بنیادی و روزمره که ممکن است افراد بخواهند درباره آن حرف خصوصی بزنند یا غیبت کنند، مهم‌ترین زمینه‌های واژه‌سازی در زبان‌های رمزی است. در زبان رمزی مورد مطالعه در این تحقیق نیز، برای واژگان مختلف از یک حوزه معنایی، معمولاً فقط یک واژه ساخته می‌شود که بافت موقعیتی و زبانی می‌تواند معنای آن را مشخص کند. چند نمونه از این پدیده در زیر ذکر می‌شود.

kēmīs: این واژه معانی متفاوتی در جمله می‌تواند داشته باشد که گویشوران با توجه به موقعیت و شرایط، معنای آن را می‌توانند درک کنند. برای مثال در معنای اصلی آن، یعنی معنای لباس (هر نوعی) می‌تواند به کار رود. اما در شرایط دیگر می‌تواند به معنای طلا، ماشین، چادر و به‌طور کلی هر گونه ابزار تفاخر باشد. گاهی اشاره دست در هنگام ادای واژه نیز به انتقال دقیق‌تر مفاهیم کمک می‌کند.

kēmīsom re bestæl kon

(مادر خطاب به دخترش): چادرم را بیاور.

tū kēmīse boq nešæst o dormān šod

تو ماشین خوشگل نشست و رفت.

تعداد واژگان محدودی که در نقش صفت به کار می‌روند، هنگامی که با اسم مناسب ترکیب می‌شوند و با توجه به موقعیت و شرایطی که افراد در آن قرار دارند، انواع مفاهیم را انتقال می‌دهند. به گونه‌ای که شنونده‌ای که مسلط به این زبان رمزی باشد به راحتی متوجه مقصود سخنور خواهد شد.

Boq: صفتی است مثبت و در کل مفاهیم مثبت را انتقال می‌دهد و به معنای زیبا،

تمیز، خوب، مرتب به کار می‌رود.

xīt: صفتی است منفی و تقریباً کلیه مفاهیم بد و منفی مربوط به اشیاء را انتقال

می‌دهد. دو واژه **boq** و **xīt** از پرکاربردترین واژگان برای بیان ویژگی اسم هستند.

ī Kūrūne boqīč

چه خانه خوشگلی

væzeš boq nīst

وضع (مالی) اش خوب نیست

۴-۲-۳. صرف اسم و صفت

این واژگان ساختگی به راحتی در تمام قواعد ساخت واژگی زبان فارسی وارد و صرف می‌شوند. تکواژ جمع در این زبان همچون فارسی گفتار، تکواژ ā (معادل hā در فارسی رسمی) پس از همخوان‌ها و تکواژ hā پس از واکه‌هاست.

اسم مفرد	Kūrūn	xætæk	Ezge	kīmīs
اسم جمع	Kūrūn-ā	xætæk-ā	ezge-hā	kīmīs-ā
فارسی	خانه‌ها	میوه‌ها	زن‌ها	لباس‌ها

تکواژ تفضیلی صفات نیز همچون زبان فارسی رسمی، تکواژ tær است. همان‌گونه که در فارسی محاوره‌ای نیز چنین است، تکواژ صفت عالی چندان به کار نمی‌رود؛ اما اگر بخواهیم صورت عالی صفات را بسازیم، همانند فارسی رسمی عمل می‌کنیم.

صفت مطلق	Boq	xīt	Espi
صفت تفضیلی	boq-tær	xīt-tær	espi-tær
فارسی	زیباتر، بهتر	زشت‌تر، بدتر	عصبانی‌تر، بداخلاقی‌تر

۴-۲-۴. ضمائر

در این زبان همچون زبان فارسی، ضمائر منفصل به گویش مشهودی هستند:

ضمایر	مفرد		جمع	
	منفصل	متصل	منفصل	متصل
اول شخص	Mo	-om	mā	-emān
دوم شخص	To	-et	šomā	-etān
سوم شخص	ʔu:	-eš	ʔu:nā	-ešān

همچنین ضمائر متصل زبان فارسی به انتهای اسم‌ها متصل می‌شوند:

ʔnf-om	ræʔs-eš	eIn-et	Kūrūn-emān
بینی‌ام	سرش	چشمت	خانه‌مان

۵-۲-۴. ساخت و تصریف فعل

اسم‌ها و فعل‌ها مهم‌ترین ابزار رمزی کردن این زبان هستند. فعل‌های این زبان بیشتر به شکل ترکیبی از کلمات رمزی به همراه افعال معین یا همکرد فارسی معیارند. در عین حال این افعال لزوماً معنای اصلی معیار خود را ندارند، مثلاً فعل معین شدن در این زبان می‌تواند با افعال لازم همراه شود که در این صورت نشانه مجهول نیست. نمونه‌هایی از این افعال به شرح زیر است:

فارسی	رمزی
خوردن	xor kerdæn
بردن	dormān kerdæn
رفتن	dormān šodæn
آوردن	bēstal kerdæn
نگاه کردن/ دیدن	gorē kerdæn
آمدن	bēstæl šodæn
خوابیدن	kotlē šodæn
کتک‌زدن	kottīdæn

گاهی می‌توان فعل همکرد یا معین را حذف کرد و فعل را به صورت بسیط به‌کار

برد:

dormān šodæn	رفتن
dormīdan	

همچنین با تغییر فعل همکرد می‌توان فعل لازم را به فعل متعدی تبدیل کرد:

gorē šodæn	خوابیدن
gorē kerdæn	خواباندن

صرف فعل برای اشخاص مختلف به وسیله شناسه‌های رایج در صیغه‌های ماضی و مضارع زبان فارسی معیار صورت می‌گیرد. برای این منظور فعل معین یا همکرد صرف می‌شود و جزء اصلی بدون تغییر باقی می‌ماند. در صورت نبود فعل همکرد، شناسه‌های فعلی به واژه اصلی متصل می‌شوند. همچنین پیشوندهای نمود التزامی و اخباری و استمرار به همین صورت عمل می‌کنند.

صرف ماضی فعل دیدن

gorē kerd-em	دیدیم		gorē kerd-om	دیدم
gorē kerd-en	دیدید		gorē kerd-i	دیدی
gorē kerd-æn	دیدند		gorē kerd	دید

صرف فعل مضارع رفتن

mo-dorm-em	رویم می		mo-dorm-om	می‌روم
mo-dorm-en	روید می		mo-dorm-i	می‌روی
mo-dorm-æn	می‌روند		mo-dorm-e	می‌رود

فعل امر نیز همانند زبان فارسی با لهجه مشهدی، از ترکیب بن مضارع فعل همکرد با جزء اصلی یا در مواردی که همکرد وجود ندارد، از ترکیب پیشوند bo با فعل اصلی ساخته می‌شود:

gorē kon-en	بینید		gorē kon	نگاه کن / بین
dormān š-en			dormān šo	
bo-dorm-en	بروید		bo-dorm	برو

نمونه‌هایی از جمله‌ها: در این قسمت، نمونه‌هایی از جملات مختلف ارائه می‌شود تا کاربرد این واژگان در مخفی‌کاری و ابهام‌آمیزی در مسائل روزمره مشخص شود. از آنجا که این زبان، زبان رمزی است، فقط برای برخی از مفاهیم کلیدی و اصلی به‌کار می‌رود. جملات غالباً کوتاه و مختصرند و بیشتر در حضور افراد غریبه و مهمان‌ها بین افراد خانواده رد و بدل می‌شود و از آنجا که بیشتر افراد ناشناس، کوچک‌ترین تصویری از وجود این زبان ندارند، معمولاً تصور می‌کنند خطای شنیداری دارند و نمی‌توانند منظور گویندگان را درک کنند، برای مثال:

ēzgē dorm-īd	زنه اومد
lāhār-ē nəsæba rē kott-īd	پسره دختره رو زد
Kūrūn bo-dorm tū nəsæbe!	دختر! برو تو خونه
bēstæl šodan ezgē-hā	زن‌ها آمدند
šæhd re dormān kon	شیرینی‌ها رو ببر!
lāhāreš-e kotlē konē bestæl meše	پسرشو بخوابونه، می‌یاد
nəsæbe-hā bā lāhār-ā dormān šodæn bīrūn vāyē kērdan layl bēstal mēsan kūrūn	دخترها با پسرا رفتن بیرون گفتن شب میان خونه

۶-۲-۴. استفاده از واژگان عربی

در این زبان رمزی از واژگان عربی فراوانی استفاده شده و برخی نیز شبیه به واژگان عربی است. شاید یکی از دلایل این شباهت این باشد که یکی از اجداد این گویشوران کودکی تا بزرگسالی خود را در کشور عراق زندگی کرده است و پس از آن از واژگان عربی به‌عنوان زبان رمزی در مقابل بیگانگان استفاده می‌کرده‌اند و بعدها این زبان را گسترش داده‌اند.

تحلیل و توصیف گویش شناختی یک زبان... سید محمد حسینی معصوم

ræʔs-et-ē boq kon	روسریتو درست کن (مرتب کن)، موهایت را بپوشان. ^{۲۲}
šæhd bēstæl kon	شیرینی بیار
Læhm bēstæl nīst	گوشت نیست (کنایه از گوشت توی غذا نیست یا گوشت تمام شده)

نیز از دیگر واژگان عربی در این زبان کلمات ,sælātin ,læyl, ēIn, bæqær, ænf, bætñ هستند. همچنین به شکل محدود از برخی جملات امری کوتاه عربی نیز استفاده می شود، مانند:

ostorī فعل امر از ریشه عربی «سَتَر» به معنای پوشاندن است که در این زبان رمزی تغییر شکل یافته و به شکل کنایه درآمده است.
خود را بپوشان! حجابت را رعایت کن!

۴-۲-۷. مختصرسازی جملات

در حالت محاوره‌ای و در مواقع اضطراری که نیاز به سرعت در انتقال پیام باشد، گاهی جملات ساده‌تر بیان می‌شوند و فعل معین یا همکرد حذف می‌شود:
مثال:

mārē bēstæl šōd	به جای	mārē bēstæl	مرد آمد:
ēzgārē gorē kōn	یا	gorē kōn	نگاهش کن!
kēmīs-et re boq kon	به جای	kēmīs boq	لباست را درست کن! ^{۲۳}
bī vāyē			ساکت باش! یا ادامه حرف خود را زن
xītī vāyē nē !			حرف زن! ساکت باش!

۵. نتیجه‌گیری

شرم و حیا، شیطنت و شوخ طبعی و اضطرار و احتیاط از عوامل تعیین‌کننده نوع برخورد مردم در فرهنگ عامیانه است. هر کدام از این عوامل می‌توانند سبب احساس نیاز به

زبان رمزی در بین افراد یک گروه، جامعه یا خانواده شوند. زبان‌های رمزی در بین مردم سرتاسر جهان از گذشته تاکنون رایج بوده و هست. در تمام فرهنگ‌های جهان، گونه‌های زبانی رمزی بر اساس زبان معیار رایج در میان عده‌ای از مردم ساخته می‌شود که هم بیانگر همبستگی و اتحاد میان آن گروه است و هم سبب می‌شود که افراد راز و رمزشان را از بیگانگان پنهان نگاه‌دارند و بتوانند به گونه‌ای در میان دیگران سخن بگویند که آنان پی‌نبرند. اغلب کولیان را سازنده زبان‌های رمزی می‌دانند؛ اما گروه‌های صنفی یا خانوادگی هم گاه به ساخت چنین زبان‌هایی اقدام می‌کنند. در بیشتر این زبان‌ها در واقع، قواعد آوایی خاصی بر زبان معیار جامعه اعمال می‌شود که به‌سادگی قابل یادگیری است.

بر اساس این پژوهش، بر خلاف بیشتر نظام‌های رمزی گاه افراد کم‌سواد یک خانواده عادی می‌توانند دست به ابداع یک زبان رمزی با واژگان عجیب بزنند و با استفاده از قواعد دستوری زبان فارسی معیار، آن را تبدیل به یک زبان زنده و پویا کنند. کاربردی بودن این زبان سبب می‌شود تا واژه‌سازی به طریق اقتصادی صورت گیرد و هر واژه نماینده حوزه معنایی گسترده‌ای باشد که در بافت زبانی و فرازبانی خاص معنای معینی به خود می‌گیرد. از آن‌جا که این زبان رمزی قادر به رفع نیازهای گویشوران و در حال انتقال بین نسل‌هاست، می‌توان گفت برخی از خصوصیات یک زبان بشری طبیعی را داراست.

ویژگی‌های فرهنگی کاربران این زبان-که مربوط به یک خانواده گسترده و با قدمت در شهر مذهبی مشهد است- از نوع انتخاب‌های واژگانی ایشان کاملاً مشخص است. بسیاری از واژگان این زبان با توجه به حجاب، حیا و حفظ حریم میان زن و مرد یا حفظ اسرار خانوادگی زبان‌های رمزی با وجود داشتن واژگان محدود، بیانگر آداب و رسوم و گاهی حرفه و پیشه گویشوران است. در این زبان برخی از واژگان برگرفته از واژگان عربی هستند که گاهی به لحاظ آوایی تغییراتی در آن‌ها داده شده است و به همان معنا به کار می‌رود و گاهی آن واژه با کاربرد معنایی گسترده‌تر استفاده می‌شود.

برخی واژگان ساختگی و برخی نیز فارسی هستند که از نظر آوایی تغییرات و کاربرد وسیع تری یافته‌اند. به نظر می‌رسد در مجموعه زبان‌های رمزی اصناف و گروه‌های مختلف، زبان‌هایی از این نوع و به شکل خانوادگی کمتر بررسی شده‌اند. بررسی این زبان‌ها به‌عنوان بخشی از گنجینه فرهنگ عامیانه می‌تواند اطلاعات مفیدی در اختیار جامعه‌شناسان و زبان‌پژوهان قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Argot, Jargon

۲. باید دقت داشت که این زبان رمزی را نباید با زبان دیگری به همین نام اشتباه گرفت که یکی از شاخه‌های زبان رومانو (کولی‌ها) در ایران و از خانواده زبان‌های هندی است و در روستای زرگر واقع در شهرستان آبیگ قزوین به آن صحبت می‌شود.

3. Geheimsprache (secret language)

4. sonder sprache (special language)

5. Gannersprache (thieves language)

۶. palindroms به واژه، عدد یا هر چیز دیگری گفته می‌شود که خواندن آن از چپ به راست یا از راست به چپ کاملاً یکسان باشد، مثل عدد ۱۵۳۴۳۵۱ یا واژه «داد».

۷. anagrams نوعی بازی با حروف است به گونه‌ای که با جابه‌جایی حروف یک واژه یا عبارت، بتوان واژه یا عبارت معنادار جدیدی ساخت، برای مثال با جابه‌جایی حروف در واژه «زیبا» می‌توان واژه تازه «بازی» را ایجاد کرد.

8. pun

9. riddle

10. socio-pragmatic

11. argot

12. jargon

13. entertainer

14. stall holder

15. anti-language

16. anti-society

17. syllable

18. metaphor

19. metonymy

20. lexemes

21. mutual intelligibility

۲۲. رأس می‌تواند کنایه از مو، روسری و چادر باشد.

۲۳. حجاب را رعایت کن! موهایت را بپوشان! لباس را مرتب کن!

منابع

- اعتضادی، شیدا و فاطمه‌سادات علمدار (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران». *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*. پاییز ۱۳۸۷. ش ۱۱ (۴۱). صص ۶۵-۹۶.
- اکرامی، محمود (۱۳۸۴). *مردم شناسی اصطلاحات خودمانی*. مشهد: ایوان.
- انجوشیرازی، میرجمال‌الدین (۱۳۵۱). *فرهنگ جهانگیری*. به کوشش رحیم عقیفی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۰). «زبان‌های رمزی در ایران». *کتاب ماه هنر*. مرداد و شهریور ۱۳۸۰. ش ۳۵-۳۶. صص ۱۸-۲۷.
- تنوی، عبدالرشیدبن عبدالغفور (۱۳۳۷). *فرهنگ رشیدی*. به کوشش محمد عباسی. تهران: کتاب فروشی بارانی.
- *حدودالعالم من المشرق الى المغرب* (۱۳۴۰). تصحیح منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روبینز، رابرت هنری (۱۳۷۰). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمه علی‌محمد حق‌شناس. تهران: نشر مرکز.
- زمردیان، رضا (۱۳۴۸). «زبان‌های ساختگی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۲۰. صص ۵۴۹-۵۵۶.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۳). *ادبیات عامیانه ایران*. چ ۲. تهران: چشمه.
- محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۹۱). *برهان قاطع*. به کوشش محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- ناصح، محمدامین (۱۳۸۳). «گویش‌نامه‌های خراسان: پیشینه و نیازها». *فرهنگ خراسان*. س ۴. ش ۱۱. ص ۱۱۲.

- همایونی، صادق (۱۳۵۰). «قواعد زبان زرگری». *مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران. صص ۳۵۸-۳۶۵.
- یارمحمدی، لطف‌الله و دیگران (۱۳۸۲). «نگاهی تازه به جایگاه علم زبان‌شناسی در ایران». *نامه فرهنگستان علوم*. ش ۲۲. صص ۹۵-۱۲۱.
- Blake. Barry, J. (2010). *Secret Language*. Oxford: University Press.
- Ferreira, V. & Bouda, P. (2009). «Minderico: An Endangered Language in Portugal». *Proceedings of Conference on Language Documentation and Linguistic Theory 2*. eds. Peter K. Austin, et. Al. London: SOAS.
- Fishman, Joshua A. (1972). «Domains and the relationship between micro- and macrosociolinguistics». *Directions in sociolinguistics. The ethnography of speaking*. eds. J. Gumperz and D. Hymes. New York: Holt, Rinehart and Winston, 407-434 [originally 1971, several reprints]
- Geipel, John (1995). «Calo: The Secret Language of the Gypsies of Spain». *Languages and Jargons, Contribution to a Social History of Language*. Bruke, Peter and Porter, Roy. Cambridge: polity press. pp. 102-132.
- Halliday, M. A. K. (1976). «Anti- language». *American Anthropologist*. (new series). 78. pp. 570-784.
- Ivanow, W. (1920). «Further Notes on the Gypsies in Persia». *Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal (N. S)*. 16. Pp. 281-291.
- Siewert, Klaus (ed.) (1999). *Aspekta und Ergebnisse der sondersprach enforschung I*. Wiesbaden: Harrassowits verlag.
- Yarshater, E. (1977). *The Hybrid Language of the Jewish Community of Persia*. *Journal of American oriental* vol. 97. No.1 pp. 1-7. ties of society.
- Yule, G. (2010). *The Study of Language* (Fourth Edition). Cambridge: Cambridge University Press.
- Zapata Becerra, A. A. (2000). *Handbook of General and Applied Linguistics*. Trabajo de. ascenso sin publicar. Universidad de Los Andes, Mérida, Venezuela.

